

یادداشت

راه‌های نرفته صنعت پتروشیمی



محمد شریعتمداری

مدیرعامل گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس

صنعت پتروشیمی ایران پس از تجربه یک خصوصی‌سازی ناکارآمد با چالش‌های گسترده‌ای روبه‌رو شد. این صنعت که اکنون به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مزیت‌های اقتصاد ایران در منطقه شناخته می‌شود، از زمان تولد خود در سال ۱۳۴۲ تاکنون مسیر پرفرازونشیبی را طی کرده است. تحقیقات و نظرات کارشناسان این حوزه حاکی از آن است که صنعت پتروشیمی ایران طی دوران رشد و تکامل خود، مراحل مشخصی را پشت سر گذاشته است.

نخستین جرقه‌های این صنعت در استان فارس، زادگاه تمدن ایرانی، روشن شد و اندکی پس از راه‌اندازی نخستین کارخانه پتروشیمی در شیراز در سال ۱۳۴۳، با تصویب قانونی در مجلس، شرکت ملی صنایع پتروشیمی تأسیس شد. به این ترتیب، عنوان اولین کشور صاحب صنعت پتروشیمی در منطقه خاورمیانه به نام ایران ثبت شد. تا پایان دهه ۵۰، در کنار پتروشیمی شیراز، زنجیره‌ای از واحدها و مجتمع‌های جدید مانند رازی، آبادان، پازارگاد کرین اهواز، خارک، فارابی و بخش‌هایی از پتروشیمی بندر امام راه‌اندازی شدند.

در آن دوران، نقش اصلی مجتمع‌های نوپای پتروشیمی تأمین نیازهای داخلی به ویژه محصولاتی مانند کود شیمیایی و مواد پایه شیمیایی از جمله دوده، گوگرد، گاز مایع، کربنات، پی‌وی‌سی و مواد نرم‌کننده پلاستیک بود. وقوع جنگ تحمیلی هشت‌ساله سبب توقف و رکود در فعالیت‌های صنعت پتروشیمی شد؛ به‌ویژه آنکه بسیاری از واحدهای پتروشیمی در جنوب کشور هدف حملات ارتش بعث عراق قرار گرفتند. با این حال، بلافاصله پس از پایان جنگ، گام‌های مؤثری برای احیا و بازسازی این صنعت در قالب برنامه پنج‌ساله (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳) برداشته شد و به همت دولتمردان و مهندسان آن دوره، بخش عمده‌ای از واحدهای آسیب‌دیده مجدداً وارد مدار تولید شدند.

پس از این دوره، شاهد نگرش جدیدی از سوی دولت‌های سازندگی و اصلاحات نسبت به صنعت پتروشیمی بودیم و بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی کشور در این حوزه جدی‌تر دنبال شد. صنعت پتروشیمی به عنوان یکی از محورهای کلیدی قدرت اقتصادی و مزیت رقابتی ایران در منطقه مطرح شد؛ به‌طوری‌که اقتصاددانان این دوران را آغاز عصر توسعه و جهش صنعت پتروشیمی کشور می‌دانند. بسیاری از شرکت‌های سرشناس گروه صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس نیز در نتیجه همین نگاه آینده‌نگر ایجاد شدند؛ مانند پتروشیمی ارومیه، بوعلی سینا، خوزستان، تندگوپان، پارس، آریا ساسول، نوری، کارون و دیگر شرکت‌ها.

با این حال، روند توسعه صنعت پتروشیمی با رخدادی مهم مختل شد؛ واقعه‌ای که بسیاری از اقتصاددانان آن را انحراف در مسیر خصوصی‌سازی می‌نامند. ماجرای واگذاری شتاب‌زده شرکت‌ها و واحدهای تولیدی، یکی از جدی‌ترین لغزش‌های این دوره بود. در این مقطع، بسیاری از شرکت‌های پتروشیمی به منظور تسویه بدهی‌های دولت، به نهادهای مختلف از جمله صندوق‌های بازنشتسکی تأمین اجتماعی، کشوری، نفت و نیروهای مسلح واگذار شدند.

این نوع خصوصی‌سازی عجولانه و واگذاری سهام به ذی‌نفعان متعدد، آسیب‌های قابل توجهی را به دنبال داشت. بخشی از این آسیب‌ها ناشی از واگذاری شرکت‌های یک زنجیره تولید به مالکان با منافع گاه متضاد بود که منجر به بروز اختلافات، اخلاف در چرخه تولید، مشکل در تأمین خوراک و کاهش سودآوری شد. پیامدهای منفی این وضعیت تنها به حوزه طراحی و تولید محدود نماند؛ بلکه تا بازار فروش محصولات پتروشیمی هم امتداد یافت و فرصت را برای رقبای تازه‌وارد در شرق، غرب و جنوب آسیا فراهم کرد تا حضور خود را در بازار منطقه تقویت کنند.

ریشه بسیاری از ناترازی‌ها و توسعه نامتوازن در صنعت پتروشیمی ایران را باید در رویدادهای همین دوران جست‌وجو کرد؛ دورانی که باعث شد انسجام این صنعت از مرحله طرح تا تولید و عرضه با مشکلات جدی مواجه شود. در این مقطع، به دلیل نبود مطالعات جامع و برنامه‌ریزی بلندمدت و تحت فشار خواسته‌ها و سلايق محلی و مقطعی، واحدهای متعدد پتروشیمی، عمدتاً با محوریت تولید اوره و متانول، یکی پس از دیگری تأسیس شدند. در نتیجه، موضوع حیاتی تکمیل زنجیره تولید و ایجاد ارزش افزوده به حاشیه رفت. به مرور زمان، آثار منفی این سیاست‌ها و شکل‌گیری جزیره‌ای واحدهای پتروشیمی، به‌ویژه کسب‌دست در زنجیره ارزش، بیشتر آشکار شد. بسیاری از شرکت‌هایی که به صندوق‌های بازنشتسکی واگذار شده بودند، به‌دلیل عدم توجه به تخصص فنی و استخدام‌های بی‌بضابطه، دچار بی‌ثباتی مدیریتی شده و به شرکت‌های زیان‌ده تبدیل شدند.

خوشبختانه، از اوایل دهه ۸۰ و با تلاش دلسوزان صنعت پتروشیمی، روند واگذاری‌های شتاب‌زده متوقف و شرکت‌های باقی‌مانده در قالب «شرکت صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس» متمرکز شدند. با شکل‌گیری این هلدینگ که هم‌اکنون حدود ۴۰ درصد تولید، فروش و صادرات محصولات پتروشیمی ایران را در اختیار دارد، خطر فروپاشی بیشتر صنعت تا حد زیادی برطرف شد.

همچنین، با ورود شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس به بازار سرمایه در سال ۱۳۹۲ و عرضه سهام آن به عموم، این هلدینگ به بزرگ‌ترین شرکت بازار سرمایه ایران تبدیل شد و در کمتر از یک دهه، ارزش بازار آن به حدود ۸۰۰ هزار میلیارد تومان رسید. از سوی دیگر، شرکت بازرگانی هلدینگ خلیج‌فارس نیز از سال ۱۴۰۰ تاکنون سالانه نزدیک به شش میلیارد دلار آرزآوری برای کشور داشته است.

بررسی تجارب جهانی نشان می‌دهد که رمز موفقیت و رشد صنعت پتروشیمی در کشورهای پیشرفته، حرکت منسجم و یکپارچه شرکت‌های بزرگ است. بر اساس این رویکرد، تکمیل زنجیره تولید و خلق ارزش افزوده، محور اصلی سیاست‌گذاری‌ها در الگوهای نوین مدیریتی صنعت پتروشیمی قرار گرفته است. نگاهی به محیط منطقه‌ای و نحوه عملکرد بازیگران بزرگ این حوزه به‌خوبی نشان می‌دهد که مثلاً در آلمان شرکت BASF بیش از ۵۰ درصد تولید پتروشیمی کشور را به خود اختصاص داده بود و تا سال ۲۰۲۳ عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده پتروشیمی جهان را داشت، هرچند این جایگاه در سال ۲۰۲۴ به شرکت چینی سینوپک واگذار شد.

با استناد به این تجربیات، تردیدی نیست که صنعت پتروشیمی ایران برای رقابت با رقبای نوظهور، نیازمند اتخاذ تصمیمات کلان و بازنگری در مدل‌های مدیریتی خود است. همان‌طورکه بسیاری از اقتصاددانان معتقدند، ضروری است صندوق‌های فعال در حوزه انرژی و صنعت پتروشیمی از بنگاهداری صرف فاصله بگیرند و به سمت سهام‌داری حرکت کنند؛ به‌گونه‌ای که مدیریت حرفه‌ای و تخصصی بر ساختار مدیریتی و حکمرانی این صنایع حاکم شود. صنعت پتروشیمی ایران که در دوره‌های دشوار تحریم، نقش کلیدی در تأمین تولید و درآمد ارزی کشور ایفا کرده است، برای تداوم این نقش کلیدی و حفظ جایگاه خود به‌عنوان موتور محرک اقتصاد ایران، بیش از هر زمان دیگری نیازمند توجه جدی سیاست‌گذاران و اتخاذ تصمیمات راهبردی در بالاترین سطوح مدیریتی کشور است.



وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در صحن علنی مجلس:

تجربه ۱۴۰۱ را فراموش نکنیم

قطع اینترنت ناکارآمد است

در جریان جنگ ۱۲روزه ماهی ۱۵ هزار میلیارد تومان خسارت که برابر با اعتبارات سالانه برخی وزارتخانه‌هاست، به کسب‌وکارها وارد شد

دسترسی ندارند». همچنین از سوی دیگر او به گروهی که تقویت شبکه ملی اطلاعات را راهی برای کاهش خسارات و قطع‌نشدن خدمات داخلی می‌دانند و معتقدند با راه‌اندازی این شبکه نیازی به اینترنت نیست، با تکیه بر برنامه هفتم پیشرفت تأکید کرد: «بسیاری از مؤلفه‌های شبکه ملی اطلاعات نیازمند ارتباطات جهانی است».

شرق: در جریان جلسه علنی روز گذشته مجلس (۳۱ تیر)، ستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات صراحتاً سیاست‌های قطع و اختلال اینترنت در شرایط بحران را زیر سؤال برد و این پرسش را مطرح کرد که: «در سال ۱۴۰۱ تصمیم گرفته شد تا محدودیت ایجاد شود، اما جای سؤال دارد که آیا محدودیت ایجاد شد و آیا فرزندان بدون هیچ محدودیتی به محتواها

خسارت‌های دوبار قطع اینترنت، برای اقتصاد دیجیتال

اینترنت برای سومین بار در کشور آن هم در شرایط جنگی در حالی قطع شده و همچنان هم با وجود اعلام آتش‌بس اختلال و محدودیت روی آن ادامه دارد که این سیاست در بحران‌های گذشته هم بارها تکرار شد و جز خسارت به کسب‌وکارها و فشار روانی به مردم نتیجه‌ای در بر نداشته است.

اولین بار شهروندان طعم از دسترس خارج‌شدن اینترنت و پلتفرم‌های اجتماعی را بعد از اتفاقات ۱۳۸۸ تجربه کردند. هرچند در آن زمان هنوز کاربران به اینترنت دایل‌آپ دسترسی داشتند، اما همان اینترنت نیم‌بند هم متصل نمی‌شد و به دستور دولت دهم پلتفرم‌های مورد استقبال مردم در جهان مانند توئیتر (ایکس فعلی)، فیس‌بوک، وب‌لاگ‌های مشهور و... فیلتر شدند. در کام بعدی قطع اینترنت بعد از اتفاقات آبان سال ۱۳۹۸ رخ داد. روزی که صدای کار‌برسان ایرانی نه در دنیای وب که در دنیای واقعی نیز برای مدت‌ها خاموش شد. آن زمان افشین کلاهی، رئیس کمیسیون کسب‌وکارهای دانش‌بنیان اتاق ایران در گفت‌وگو با پایگاه خبری اتاق ایران، میزان خسارت‌های روزانه به کسب‌وکارها به دلیل قطع یک‌هفته‌ای اینترنت را شش‌هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان اعلام کرد. در قدم بعدی با وجود هشدارهایی که مدیران وزارت ارتباطات دولت دوازدهم و بسیاری از فعالان درمورد خطرات دوباره قطعی اینترنت می‌دادند، اینترنت بار دیگر بعد از اتفاقات انتهای شهریور سال ۱۴۰۱ مجدد قطع شد و برای روزهای مختلف تنها در ساعاتی از روز کاربران اجازه دسترسی به اینترنت را داشتند. محدودیت‌های ایجادشده روی شبکه هم در آن سال که حداقل تاکنون هم ادامه دارد، در نهایت باعث افزایش استفاده کاربران از فیلترشکن شده است. تکرار قطعی و محدودیت شدید روی اینترنت کسب‌وکارها و مخصوصاً کسب‌وکارها روی پلتفرم‌های اجتماعی مانند اینستاگرام خسارت چندبرابری دیدند. نت‌لاکس، سازمان غیردولتی ناظر بر اینترنت در جهان در ۱۴۰۱ خسارت ناشی از قطعی اینترنت در ایران را چیزی حدود ۱.۵ میلیون دلار برای هر ساعت برآورد کرده بود. همچنین گزارش وب‌سایت «تاپ‌نت‌وی‌پ‌ان» نیز خسارتی حدود ۷۷۳ میلیون دلار به دلیل قطع عمدی اینترنت در دوران اعتراضات سال ۱۴۰۱ را تأیید کرده بود.

علاوه بر گزارش‌های خارجی، گزارش‌های داخلی هم خبر از خسارت بالا به کسب‌وکارها در ایام قطع و محدودیت اینترنت در ۱۴۰۱ می‌داد. طبق گزارش‌هایی که آن زمان منتشر شد، بالغ بر ۱۰ میلیون کسب‌وکار خرد در بستر این شبکه اجتماعی فعالیت داشتند که به دلیل این قطعی و اختلال، خسارات جبران‌ناپذیری دیدند. پاییز ۱۴۰۱ انجمن تجارت الکترونیک در یک بیانیه، اعتراض خود به دنبال محدودیت‌های اینترنتی را اعلام کرد و خبر داد که تنها قطع دسترسی به اینستاگرام، بیش از ۴۰۰ هزار کسب‌وکار را با خطر نابودی مواجه کرده و امرار معاش بیش از یک میلیون نفر را با مشکلات جدی روبه‌رو کرده است. پادرو پلتفرم هوشمند پرداخت و ارسال سفارش‌های اینترنتی هم آن زمان به «شرق» اعلام کرده بود که از زمان شروع اینستاگرامی روی پادروشاپ (که کارش ایجاد زیرساخت فروش آنلاین برای فروشندگان شبکه‌های اجتماعی است) با ۸۷ درصد کاهش روبه‌رو بوده و هر یک از این فروشگاه‌ها تنها طی یک هفته گذشته دچار دست‌کم ۵۰ میلیون تومان خسارت مالی شده‌اند. از طرف دیگر اختلال در دسترسی مردم به اینترنت، تراکشن شرکت‌های پرداخت‌یاری را به شکل متفاوت بین ۵۰ تا ۸۰ درصد کاهش داد. از سوی دیگر، اتاق ایران برآورد کرده بود که تنها فیلترینگ اینترنت

در ۱۴۰۱ به‌طور متوسط ماهانه ۳۹۰۲ هزار میلیارد تومان (تقریباً ۱۰۱۶ میلیارد دلار در چهار ماه) ضربه زد؛ یعنی هر روز حدود ۹۰۵ میلیون دلار خسارت. همچنین آن زمان سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور، با تهیه پرسش‌نامه‌ای از کسب‌وکارها خواست تا ضرر و زیان قطعی اینترنت خود را در زمان قطع و محدودیت اینترنت (۱۴۰۱) اعلام کنند. طبق نتیجه به‌دست‌آمده ۵۳ درصد کسب‌وکارها روزانه ۵۰ میلیون تومان، ۲۱ درصد ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان، حدود ۱۸ درصد بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان و قریب به هشت درصد روزانه بالاتر از ۵۰۰ میلیون تومان خسارت دیده بودند.

از دیگر نتایج این قطعی، فیلترینگ گسترده و ایجاد محدودیت روی اینترنت باعث افزایش استفاده از فیلترشکن‌ها هم شد. وب‌سایت خبری آکسیوس در آن زمان گزارشی درباره افزایش استفاده کاربران ایرانی از فیلترشکن‌ها منتشر کرد. طبق این گزارش، تقاضا برای خدمات شبکه خصوصی مجازی (VPN) در ایران نسبت به دو هفته گذشته (قبل قطعی اینترنت در ۱۴۰۱) بیش از سه هزار درصد افزایش یافت. مهاجرت نیروی انسانی، کاهش اعتماد عمومی، افزایش ناراضیانی و فشار مضاعف به کاربران و کسب‌وکارها از اثرات مستقیم قطع و محدودیت اینترنت در سال ۱۴۰۱ بود.

وقتی فقط مردم و کسب‌وکارها ضربه می‌بیند

تاکنون گزارشی از میزان خسارت به کسب‌وکارها در روزهای قطع و محدودیت شدید روی پروتکل‌های اینترنتی در ۱۲ روز جنگ منتشر نشده و پیگیری «شرق» از وزارت ارتباطات در مورد دسترسی به این گزارش تاکنون به نتیجه‌ای نرسیده است. با این حال طبق گفته مقامات وزارت ارتباطات آنها گزارش خسارت به کسب‌وکارها در روزهای جنگ را تهیه کرده و در اختیار رئیس‌جمهور گذاشته‌اند. در جدیدترین اظهار نظر ستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، روز گذشته (۳۱ تیر) با حضور در صحن علنی مجلس به گوشه‌ای از خسارتی که قطع و اختلال اینترنت از ۲۳ خرداد تاکنون به کشور تحمیل کرده، اشاره کرده است. ستار هاشمی در این خصوص در مجلس گفت: «در بحث اقتصاد دیجیتال حدود ۱۰ میلیون نفر از شهروندان به صورت مستقیم و غیرمستقیم امرار معاش کرده‌اند و معیشتشان در این بستر در جریان است و به واقع ما در شرایط جنگ در بحث اقتصاد دیجیتال و اشتغال آسیب دیدیم، کمابیش ۳۰ درصد کاهش اشتغال داشتیم». به گفته او در دوران جنگ تقریباً هر دو روز به اندازه یک همت به اقتصاد دیجیتال آسیب وارد شد، یعنی حدوداً ماهی ۱۵ هزار میلیارد تومان که برابر با اعتبارات سالانه برخی وزارتخانه‌هاست.

براساس توضیحات او: «محدودیت‌ها حسب صلاح‌دید مراجع ذی‌صلاح و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی در بحث اینترنت اتفاق افتاد و تلاش کردیم منابعی را برای این خسارت‌ها به میزان دو همت تأمین کنیم و فرایند در اختیار قراردادن آن با همراهی وزارت اقتصاد و معاونت علمی و فناوری شکل بگیرد و این مهم الان در جریان است».

تجربه نگرفتن از اتفاق‌های گذشته

واقعیت این است که بسیاری از مدیران و کارشناسان پیشی‌بینی می‌کردند که با توجه به ضرر و خسارتی که کسب‌وکارها به دنبال قطع و محدودیت اینترنت در سال‌های گذشته دیده‌اند، دوباره به دنبال یک بحران جدید، حاکمیت به فکر قطع اینترنت و دسترسی مردم به جهان اطلاعات نبفتند. تجربه ۱۲ روز جنگ تحمیلی اسرائیل به ایران نشان داد که در همچنان بر همان پاشنه قدیمی می‌چرخد.

در حالی‌که سخنگوی دولت بارها در مقابل پرسش خبرنگاران در چند هفته گذشته در مورد چرایی قطع اینترنت گفته بود که به خاطر امنیت مردم این کار لازم بود، هفته گذشته بهزاد اکبری، معاون وزیر ارتباطات و رئیس شرکت ارتباطات زیرساخت صراحتاً اعلام کرد که حملات سایبری و برقراری امنیت ربطی به قطع اینترنت نداشته و آنها می‌توانستند بدون قطع اینترنت هم با حملات سایبری مقاومت کنند. از سوی دیگر هم ستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات دیروز در جلسه علنی خود در مجلس تلویناً قطع اینترنت برای برقراری امنیت را رد کرده است. او در این مورد خطاب به نمایندگان گفت: «استفاده از فیلترشکن‌های مجانی در سال‌های گذشته باعث شده شبکه کشور آلوده شود به نحوی که ۳۰ درصد از درخواست‌های مردم به واسطه آلودگی‌های شبکه و استفاده از فیلترشکن‌ها اجابت نمی‌شود که باید مورد توجه قرار گیرد». او با تأکید بر اینکه رضایت مردم مهم است، همچنان که موضوع سرمایه‌گذاری نیز یکی از دلایل کاهش کیفیت شبکه است، اعلام کرد: «در سال ۱۴۰۱ تصمیم گرفته شد تا محدودیت ایجاد شود اما جای سؤال دارد که آیا محدودیت ایجاد شد و آیا فرزندان بدون هیچ محدودیتی به محتواها دسترسی ندارند».

از سال ۹۸ تاکنون و با هر بار قطعی و اختلال در اینترنت به بهانه برقراری امنیت دولت‌هایی که بر سر کار بودند، طرح‌های حمایتی و پشتیبانی گوناگونی برای کسب‌وکارها در نظر گرفته‌اند؛ از طرح تسهیل و ارائه وام به کسب‌وکارها در سال ۱۳۹۸ تا «این‌نامه حمایت از سکوها و کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال» در سال ۱۴۰۱ که پیگیری‌های «شرق» از بسیاری کسب‌وکارها در آن زمان نشان می‌دهد به آنها هیچ تسهیلاتی تعلق نگرفته و اجرای طرح‌ها در حد خیریه باقی مانده‌اند.

راه بهتری وجود دارد؟

کارشناسان و فعالان دسترسی آزاد به اینترنت معتقدند قطع اینترنت و ایجاد محدودیت روی آن هیچ تأثیری در ایجاد امنیت ندارد. این گروه معتقدند که جای قطع اینترنت به عنوان تنها راهکار در شرایط بحران، باید از راهکارهای هوشمند و فرهنگ‌سازی استفاده کرد.

کتابون سیهری، مشاور کسب‌وکارها هفته گذشته در رویداد «اینترنت و آینده ایران» با اشاره به اینکه مخالف ایجاد امنیت نیستند، توضیح داد: «ما اصلاً نمی‌خواهیم بگوییم امنیت را فدا کنیم، اما دقت کنید، برای مثال ما چقدر پیام در این مدت از بچه‌های پادفند دریافت می‌کردیم که می‌گفتند «تو رو خدا، جان مادرتون ما چند دقیقه تونستیم نگیرید». او ادامه داد: «عکس‌نگرفتن در شرایطی مانند جنگ درست است، اما راه‌حل آن قطع اینترنت و فیلترینگ نیست، این کار نیاز به فرهنگ‌سازی و آموزش دارد». به باور او هزینه قطع اینترنت و خسارت به مردم و کسب‌وکارها به‌مراتب بیشتر از هزینه ارسال عکس و فیلم از شرایط جنگی یک منطقه است.

سخنان روز گذشته ستار هاشمی نه‌تنها یک هشدار جدی به تصمیم‌گیران بود، بلکه بازتابی از تجربه زیسته میلیون‌ها کاربر ایرانی است که بهای سیاست‌های نابایدار در حوزه اینترنت را پرداخت کرده‌اند. شبکه ملی اطلاعات نه‌تنها جایگزین اینترنت جهانی نیست، بلکه به آن نیاز دارد. از سوی دیگر محدودسازی اینترنت، بدون ابزارهای جایگزین مؤثر، نه‌تنها بی‌نتیجه است بلکه هزینه‌زااست. وقت آن رسیده که سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران به‌جای قطع مکرر اینترنت، به‌دنبال راه‌حل‌های پایدار، هوشمند و مسئولانه باشند.

یادداشت

قوانین غرق‌شدن در خشکی

چیزی می‌شود شبیه رمان معروف کوری، با این تفاوت که اگر در این رمان عامل کوری عمومی ناشناخته

است ولی همه عوامل بروز بحران آب

در ایران معلوم‌اند.

بحران آب را باید به بحران عمیق قانون‌گذاری و مدیریتی برنامه‌های توسعه کشاورزی، صنعتی، معدنی، شهرسازی و آبخیزداری ترجمه کرد. در این صورت دولت و نظام سیاسی نباید فقط به این فکر کنند که بارش باران یا کاهش مصرف چندصباحی این بحران را تسکین دهد و عقب بیندازد.

مرگ و زندگی آدم‌ها و جوامع وابسته به ماده بی‌رقیب، آب است. تمدن‌های کوچک و بزرگ در کنار منابع آبی متولد شده و با تمام‌شدن آب از بین رفته‌اند.

اغراق نیست اگر ادعا شود بحران آب بزرگ‌ترین، پیچیده‌ترین و سیستماتیک‌ترین بحران ایران است که تمام رزمین را نشانه رفته و حل تدریجی آن نیازمند کارهای اصلاحی متعددی است که در نظام حقوقی برنامه‌های بخش‌های مختلف، خصوصاً کشاورزی است. کار بزرگ نیازمند اراده‌های بزرگ و مردان و زنان بزرگی است که فکر بزرگ، توان درک مسئله، حل مسئله و اجرای راه‌حل‌های بزرگ را داشته باشند. راه باید برای چنین کارگزارانی در دولت و مجلس هموار شود وگرنه دولت و نظام سیاسی و ملت باید شاهد سال‌های سخت خشکی و تشنگی باشیم.

فیلترشکن‌ها، امنیت ملی و ضرورت بازنگری در سیاست اینترنتی

به عبارت دیگر، فیلترشکن‌ها تبدیل به راهی برای «جلو زدن» از سیستم دفاع ملی شده‌اند، اما نه برای مردم،

بلکه برای مهاجمان سایبری که به‌سادگی می‌توانند از آنها برای نفوذ، تخریب یا استخراج اطلاعات بهره‌برداری کنند.

با توجه به این شرایط، یک نکته راهبردی نباید مغفول بماند: ادامه سیاست محدودسازی و فیلترینگ گسترده، نه‌تنها به افزایش رضایت اجتماعی کمکی نکرده، بلکه عملاً مردم را به سمت زمینه‌های ناامن سوق داده است. این یک تعارض آشکار میان سیاست‌گذاری و منافع ملی است؛ چراکه در تلاش برای کنترل فضای مجازی، دشمنان زمینه کنترل‌ناپذیری را تقویت کرده‌ایم.

راه‌حل چیست؟ پاسخ، نه در ساده‌سازی، بلکه در بازاندیشی عقلانی و شجاعانه سیاست‌هاست:

۱. حذف فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی برکاردرد که بخش عمده‌ای از نیاز اطلاعاتی، اقتصادی و ارتباطی مردم را تأمین می‌کنند.
۲. توسعه زمینه‌های بومی با کیفیت بالا و امنیت قابل اعتماد، اما بدون نظارت سلبی افراطی. اعتماد، زیربنای جذب کاربر است.
۳. ایجاد «وی‌پی‌ان»‌های ملی با ساختار شفاف، محدود و صرفاً برای نیازهای تخصصی (علمی، تجاری، درمانی و...)، تحت چارچوب قانون.

۴. و مهم‌تر از همه، بازگشت به اصل اعتماد به مردم؛ مردمی که در صحنه‌های سخت، از انقلاب و جنگ تا تحریم، همواره حامی نظام و کشور بوده‌اند.

امروز، سیاست هوشمندانه آن است که به جای حصار کشیدن‌های غیرقابل دفاع، با بازکردن مسیرهای رسمی، مسیرهای خطرناک را ببندیم. انتخاب بین فیلتر و فیلترشکن، انتخاب بین کنترل و بی‌ثباتی نیست؛ بلکه انتخابی است میان امنیت و توهم امنیت.

در دورانی که جنگ نرم از دیوار خانه‌ها عبور کرده، عقلانیت سیاسی ایجاب می‌کند که هم‌زمان با حفاظت از ارزش‌ها، صدای مردم را هم بشنومیم و به رسمیت بشناسیم، چراکه امنیت، بدون رضایت اجتماعی، صرفاً یک دیوار شیشه‌ای است.